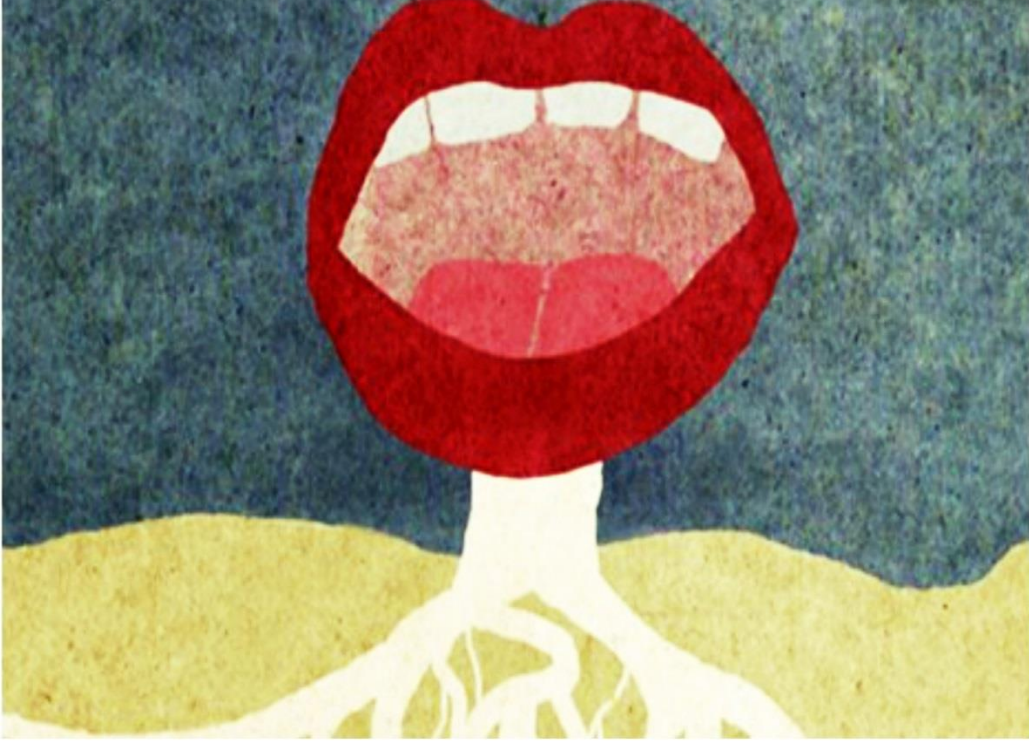


حَقُّ بَرِّ زَبَانِ مَادِرے

مطالعہ موردے کوردے ایلامے (جنوبے)

طاہرہ عزیزے



حقّ بر زبان مادری مطالعه موردی ایلامی (جنوبی)

طاهره عزیزی^۱

۱۳۹۹/۰۲/۱۶

چکیده

هنگامی که محمد امین زکی محقق کورد طی یک مأموریت رسمی جهت مطالعه زبان و قومیت لرها فرستاده شد، در مدت ده روزه اقامت اش از ایلام فعلی (به زعم خودش لرستان کوچک)، از اینکه می بیند زبان اهالی آنجا به زبان کوردی زادگاه خودش سلیمانیه بسیار نزدیک است، اظهار شگفتی می کند. گویش فیلی بنابر یک تقسیم جغرافیایی در ذیل کوردی جنوبی در کنار گونه کلهری، لکی و گورانی قرار دارد، که در مناطقی از کشور عراق نظیر بدره، مندلی و خانقین هم بدان تکلم می شود.

ایلام به دلایلی چون قرار گرفتن در آخرین مناطق کورد زبان، حکومت اتابکان لر بر آن، زبان کوردهای شیعه، دور بودن از معادلات سیاسی ملت کورد، امپریالیسم زبانی، مرادده با زبان های مجاور دچار تحوّل شدید آوایی شده است. در نتیجه مورد کم توجهی محققان کورد بوده است. نقیصه مرگ بار برای این گویشوران اصیل کورد نبود رسم الخطّ یکدست و معیار است. پیامدهای آن عدم پویایی (اعمّ از واژه سازی) که لازمه ی هر زبان زنده ی دنیاست، می باشد. نامرئی کردن این زبان در ذیل عنوان گویش (در حالی که اختلاف زیادی با گویش شمالی و.. دارد). مانع اولویت، عدم تبعیض، ایجاد نهاد مرتبط جهت ایجاد رسم الخطّ معیار و مؤلّد بودن آن و اختصاص بودجه نیست. اگر نه، سایر حقوق از جمله آموزش به زبان مادری سودمند نیستند چرا که دانش آموزان قادر به خواندن آن نیستند، و این زبان آرام و آرام شروع به مُردن (نسل زدایی) خواهد کرد. بی آنکه به ظاهر قوانین و مقرراتی نقض شده باشند.

کلید واژه ها: ایلام، زبان مادری، حقوق بشر، زبان کوردی، فیلی، کلهری

^۱ دانش آموخته حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی تهران (مؤلف کتاب "نقش موسیقی در ترویج و حمایت از حقوق بشر") انتشار نخست در گروه جیمیل حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی - گروه تلگرامی دانش آموختگان حقوق بین الملل و بشر @international1

Abstract:

When Mohammed Amin Zaki, a Kurdish scholar, was sent on an official mission to study the language and ethnicity of the Lors, During the ten days of his stay in present-day Ilam (in his own opinion, little Lorestan), He is surprised to see that the language of the people there is very close to the Kurdish language of his hometown of Sulaymaniyah. According to a geographical division, Fili is located below South Kurdistan next to the Kalhori, Laki and Gorani species, which is also spoken in parts of Iraq such as Badreh, Mandali and Khanaqin.

Ilam for reasons such as being in the last areas of the Kurdish language, Atabkan Lor's rule over it, Shia Kurdish dialect, Far from the political equations of the Kurdish nation, Linguistic imperialism, Interaction with neighboring languages has undergone a profound phonetic transformation. As a result, Kurdish researchers have received little attention. Deadly shortcoming for these genuine Kurdish speakers, The lack of a formal line is uniform and standard. It is the lack of dynamism (including word formation) that is necessary for any living language in the world. The invisibility of this language under the title of dialect (while it is very different from the northern dialect, etc.) does not prevent priority, non-discrimination, the creation of a relevant institution to create the official standard and its generator and allocate funds to it. Otherwise, other rights, including education in the mother tongue, are not useful. Because students are not able to read it, and this language will slowly and quietly begin to die (Degeneration). Without seemingly violating the rules and regulations.

Keywords: Ilam, mother tongue, human rights, Kurdish language, Fili, Kalhori

استان ایلام که إملاء صحیح آن به زبان کوردی "ئیلام" می باشد، بعد از کرمانشاه و سنندج سومین شهر بزرگ کورد نشین در ایران است.^۲ نزدیک ترین معنا بدان "شهری بر روی بلندی" است، در کتیبه های باستانی به "آلامتو" به معنای "سرزمین طلوع خورشید" معروف بوده است، و قدمت چند هزار ساله دارد. این استان زمانی ساتراپ نشین هشتم دولت ماد و بیست و سومین ساتراپ (ایالت یا استان) داریوش هخامنشی، با قدمت تاریخی دیرینه اش همواره مورد توجه اندیشمندان و مشاهیر بزرگ از حیث تاریخی بوده است.

این استان در ناحیه ای کوهستانی و نیمه گرم قرار گرفته است و کمابیش جنگلی است. شمال استان دارای اقلیم کوهستانی است اما در جنوب دشت های وسیع وجود دارد. مرکز این استان شهر ایلام است. از غرب با کشور عراق، از جنوب با استان خوزستان، از شرق با استان لرستان و از شمال با استان کرمانشاه همسایه است. همچنین استان ایلام به همراه استان خوزستان دارای طولانی ترین مرز بین المللی با کشور عراق هستند.

کوردها (۷۹،۶) جمعیت اصلی و عمده استان ایلام هستند^۳ که در شهرهای ایلام، ایوان، مهران، ملکشاهی، شیروان، چرداول، بدره، بخشهایی از دره شهر، آبدانان و دهلران ساکن هستند. جز کوردها، لرها در بخشهایی از شهرهای دره شهر، آبدانان و دهلران ساکن هستند. همچنین در برخی از نواحی شهرستان شیروان و چرداول لهجه لکی رایج است و درصدی از جمعیت استان را در مناطق موسیان و دشت عباس شهرستان دهلران را نیز عربها تشکیل می دهند.

به لحاظ جمعیت در یک دهه اخیر افزایش محسوسی نداشته است، چنانچه طبق آمار مرکز ایران جمعیت ایلام در ۱۳۹۰ پانصد و پنجاه و هفت هزار و پانصد و نود و نه شخص بوده است. در سال ۱۳۹۵ نیز پانصد و هشتاد هزار و صد و پنجاه و هشت شخص گزارش شده است. علت اصلی آن سیل مهاجرت به کشورهایی چون استرالیا، آلمان، کانادا و... است، و کوچ به شهرهای بزرگ ایران. گویا برخی از مردم تولد در سرزمین مادری را سخیف می دانند. مسأله ای که دامن گیر کل ایران شده است. از طرفی ملتی که نتواند با هویت و گذشته ی خود ارتباط بگیرد، زبان رایجی که چونان آغاز شکل گیری زبان ها صرفاً شفاهی است و پویایی ندارد، در نهایت مردمی سرگردان خواهد داشت. دلیل دیگر آن مرگ و میر بسیار نسبت به جمعیت است، و آمار مرگ اختیاری در رتبه های اول جهان قرار دارد. پیامد موارد رفته، پیری جمعیت است که به زودی گریبان ایلام را خواهد گرفت. اما همانند مو سپیدان گذشته حامل گنجینه ای از واژگان فراموش شده یا کم کاربرد اصیل کوردی که بخشی از غنای کوردی است، نیستند.

آنچه مسلم است اینکه؛ تحلیل ادبی و زبانشناسی این زبان دغدغه ی این پژوهش نیست، و در عین حال در تخصص ما نیست. اما از آنچه در کلیت آن آمده است ضرورتی جهت بررسی جنبه ی حقوق بشری آن می باشد. این ضرورت از آنجا نشأت می گیرد که جمعیت چند صد هزار نفری در دوره کنونی و مدرن به صورت شفاهی زبان خود را انتقال می دهند. لذا اگر که معدود اشخاصی بر

^۲ دنیل تی پاتس (به انگلیسی: Daniel Thomas Potts) در کتاب باستان شناسی ایلام می نویسد - پروفیسور والتر هینتس ایلام شناس فقید آلمانی که برای نخستین بار با تکیه بر کتیبه ها و نگاره های بدست آمده درباره ی مردمان اولیه ی ایلام در یک اظهار نظر از دیگر محققین بی احتیاط تر است و اعلام میدارد که: ایلامی ها « لرهای اولیه » یعنی نیاکان ساکنان لرستان جدید در غرب ایران هستند.

^۳ اگر که به آثار باستانی دقت بیشتری شود، متوجه خواهید شد برای مثال در دوره اتابکان لر قلعه هایی که ساکن آنها بوده اند، برجسته ترین آثار تاریخی به جای مانده است. دخالت مردم آن دوره به دلیل زبان و فرهنگ متفاوت شان از این اتابکان مانع مجالی برای ابراز فرهنگ شان بوده است.

سایر گویش های کوردی تسلط دارند و یا بعضاً رسم الخطی از کوردی جنوبی ارائه می دهند، به اهتمام خویش بدان رسیده اند و رسم الخط آن ها ابدأ کامل، یکسان و معیار نیست.

این پیشروان که علاوه بر معیشت روزمره به فرهنگ و پیشینه ی خود اهمیت می دهند، خانواده ها را در مرکز اتهام این حجم از کم توجهی قرار می دهند. در حالی که اگر با تأمل بیشتری بیندیشیم درک خواهیم کرد زبانی که تعداد واژه ی کافی برای بیان یک گفتگوی سالم و کامل کوردی ارائه نمی دهد (مقصود اصلی زبان رایج کنونی است نه اصل کوردی جنوبی) و پویایی برای آینده ندارد، نمی تواند پاسخگوی آنان باشد. آنچه مسلم است اینکه مردمان کورد ایلام با زبان پارسی پیشرفت اجتماعی می کنند. البته این گفته اهمال نسل امروز نسبت به زبان مادری و کم اهمیتی آنان را انکار نمی کند، چرا که تعصب مردم ایلام نسبت به زبان مادریشان کمتر از برخی دیگر از مناطق کورد نشین است. گمان نمی رود با فرار از هویت اصلی بتوان پیشرفت حقیقی داشت. تلخی ماجرا زمانی بیشتر می شود که برخی از مادران کورد در حالی زبان پارسی را به فرزندان می آموزند که خود تسلط حتی نسبی به این زبان ندارند، و به تدریج زبان پارسی ناخالص از نسلی به نسل دیگر منتقل خواهد شد. چونان برنامه های صدا و سیمای ایلام که ناخالصی آن شبیه به آن چیزی است که بر لیتونی در شوروی سابق در دهه ۱۹۸۰ گذشت. این مسأله قابل تأمل و غیر قابل تحمل است. زبان به مانند لباس است، نمی توان با آن نمایش داد ولی با آن زندگی نکرد.

در واقع آنچه تحت عنوان زبان کوردی از آن نام برده می شود، در واقع گویش های مختلفی هستند که گاه اختلاف آنها بدان حد است که سخن همدیگر را در نمی یابند. اما اگر در ساختار و ریشه مورد ارزیابی قرار می گیرند، مشخص می شود که همه دارای اساسی واحد هستند. گستردگی و گوناگونی گویش های کوردی بسیار بیشتر از آن است که بتوان گویشی را از آنها به عنوان معیار برگزید چه هر یک از این گویش ها ، گویشوران بسیار، و قابلیت های لازم زبانی و ادبی را دارا هستند. برخی گویش^۴ های کوردی را بر حسب موقعیت جغرافیایی به شرح زیر تقسیم کرده اند. (سارایی-زاهد ۱۳۸۰)

۱- کوردی شمال غربی: که شامل گویش کُرمناجی و فروع آن است. این گویش در مناطق کورد نشین ترکیه، سوریه، بخش های از کوردستان عراق، آذربایجان ایران و شمال خراسان، مناطقی از جمهوری های شمالی مانند ارمنستان، آذربایجان، گرجستان و ترکمنستان رایج است.

۲- کوردی شمالی: که شامل گویش سورانی و شعبات آن است و در کوردستان عراق و ایران و بخش هایی از استان کرمانشاه و آذربایجان غربی بدان تکلم می شود.

۳- کوردی مرکزی: که شامل گویش هورامی است و گویشورانش در اورامانات ایران و عراق پراکنده اند.

۴- کوردی جنوبی: که شامل کلهری، ایلامی و لکی است، که کوردی جنوبی به گونه های زیر تقسیم می شود:

کوردی کلهری: که در کرمانشاه و مناطقی از استان ایلام، از جمله شهرستانهای ایوان و شیروان چرداول و بخش چوار رایج است و با گویش کردی ایلامی (فیلی) اندکی تفاوت دارد.

⁴. Dialect or Variant

کوردی ایلامی (فیلی): گویش کوردی ایلام یکی از گویشهای زبان کوردی است و به عنوان گونه ای از گویش کوردی در کنار گونه های کلهری، سنجایی و لکی قرار دارد. این گویش را (فیلی) نیز می نامند و گویش عمده مردم استان ایلام از جمله طوایف عمده و قدیمی آن است که با اندک اختلافاتی در شهرهای ایلام، مهران، سرابله، بدره، بخش های عمده ای از نواحی جنوبی استان مانند: دهلران، درّه شهر، آبدانان و مناطقی از کشور عراق نظیر بدره، مندلی و خانقین بدان تکلم می شود.

لکی: این گویش در سطح نسبتاً گسترده ای در استان های لرستان، کرمانشاه، همدان و بخشهای از ایلام گویشوران بسیاری دارد. این گویش اغلب به اشتباه لری یا شعبه ای از آن قلمداد شده است. در حال که نظام آوایی، واژگان و نحو و نیز سنتهای فرهنگی و بسیاری از ویژگی های دیگر نشان می دهد که لکی گویشی اصیل و برجسته از کوردی است.

دیدگاه مقایسه ای:^۵ هر یک از این گویش ها حتی قابلیت یک زبان مستقل را دارند و می بایست به طور مجزا مورد حمایت قرار بگیرند. این گویش ها به مانند بسیاری از لهجه های پارسی نیستند که متکلمان آن سخن همدیگر را در می یابند. شاید این مسأله یکی از دلایلی است که نگرانی ها درباره ی زبان پارسی را بیشتر می کند، در شرایطی که یونسکو نگرانی عمیق خود را از بلعیدن زبان ها و یا انقراض زبان ها^۶ عنوان می کند، لذا نگرانی درباره ی تضعیف زبان پارسی، می بایست از زبان هایی باشد که متکلمان آنها قدرت اقتصادی و سیاسی بین المللی بیشتری دارند. سازمان هایی که برای ترویج و توسعه زبان پارسی بوجه می گیرند، همانند: فرهنگستان زبان و ادب پارسی - بنیاد سعدی - وزارت ارشاد - صدا و سیما - وزارت آموزش و پرورش - حوزه هنری - حمایت از نشر و کتاب و مطبوعات - شورای گسترش زبان و ادبیات پارسی در کاهش این نگرانی چندان موفق نبوده اند و زبان پارسی مدیون شعرای بسیار بزرگ و نثرگویان کم نظیر پارسی بوده است. با وجود اینکه به طور خاص، فرهنگستان زبان و ادب پارسی چند هزار واژه جدید ایجاد می کند. بنابراین می توان گفت گویش هایی که با هم اختلافات نسبتاً زیادی دارند، از یک منظر حامی و پشتیبان همدیگر می باشند و از طرفی دیگر حمایت مضاعف لازمه حفظ و پویایی آنها می باشد. برای مثال زبان عربی مصری تفاوت نسبتاً زیادی با لهجه ی لبنانی، تونسی، مغربی و یا خلیجی دارد و حتی به عنوان زبان مستقل از عربی شناخته می شود. اما به غنا و حفظ زبان عربی کمک بزرگی کرده است.

در عین اینکه یادگیری چندین زبان جهت ارتباط کلامی و آشنایی با اقوام و فرهنگ های مختلف در دنیای امروز ضرورتی بی بیان است، آشنایی یا تسلط به فارسی به عنوان زبان ملی یک امتیاز محسوب می شود. لطماتی که بر نوشتار زبان پارسی رایج وارد شده است و معادل یابی های نامناسب، بر کسی پوشیده نیست. زبان ها بر هم تأثیر گذاشته و تأثیر پذیرفته اند. همانطور که زبان پارسی بر زبان کوردی یا زبان عربی تأثیر گذاشته است، از آنها تأثیر پذیرفته است. برای مثال بیش از چند صد واژه پارسی در لهجه عربی تونسی وارد شده است، در عین حال بیش از این میزان از زبان فرانسوی تأثیر پذیرفته و تأثیر گذاشته است. بنابراین همانگونه که فرهنگ اصیل به طور کامل یافت نمی شود و فرهنگ ها از هم تأثیر پذیرفته اند، زبان به عنوان مؤلفه ی اصلی هر فرهنگ از این جریان دور نیست. بنابراین تعصب، تبعیض و هر آنچه مانع پیشرفت زبان ها باشد سودمندی برای سایر زبان ها نخواهد داشت. هر کدام از زبان ها ویژگی ها و مشخصه ی خود را دارند، در عین اینکه زبان انگلیسی، زبان دقت، اشکال و یادگیری است. زبان عربی در سخنوری به انسان صلابت خاصی می بخشد. زبان فرانسوی یادآور حق ها و نظریه پردازی های قرن نوزدهم است زبان پارسی از

^۵ می بایست یاد آور شویم که؛ رویکرد مقایسه ای نه همیشه اشتباه و نادرست است، و نه همیشه درست و به جا.

^۶ UNESCO Atlas of the World's Languages in Danger

قدرتمندترین و مهربانترین زبانها و عامل اصلی پیوند اقوام مختلف ایرانی بوده است، زبان کوردی نیز به غنای زبانها افزوده است. در عین حال تفاوت تفکر در زبانها نیز اغلب با ترجمه و جایگزینی قابل انتقال نیست. هر زبانی حامل هویت و فرهنگ آن مردمان است.

قوانین داخلی و مقررات بین المللی: حق بر زبان مادری اعم از آموزش و یادگیری آن و سایر جنبهها در مقررات بین المللی و قوانین داخلی به رسمیت شناخته شده است. بیست و یکم فوریه برابر با دهم اسفند ماه روز جهانی زبان مادری است، بنا به اهمیت مسأله طبق روال هر ساله از طرف یونسکو شعاری برای این روز تعیین می شود.

قوانین داخلی:

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گرچه در خصوص شناسایی هویت اقوام زبانی یا قومی صریحاً اصلی نیامده است، اما در خلال اصول آن به طور ضمنی حقوقی را می توان یافت که ناظر بر آنها می باشد. در اصل پانزدهم قانون اساسی آمده است که: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.» این اصل صرفاً بیانگر یک امر شکلی است. به بیانی حمایت ماهوی حتی از زبان پارسی نیز به عنوان زبان رسمی صورت نمی دهد. زبان پارسی (که به زعم نویسندگان از قدرتمندترین ابزار (در رویکرد ابزارگونه یا از قدرتمندترین موجودات در گره زمین است)، نیز در معرض خطر است، اما اقدامی شایسته در جهت پویایی آن صورت نمی گیرد. حال که زبان کوردی رایج در ایلام نخست نیازمند رسم الخط صحیح و جامع است در شرایط بحرانی به سر می برد. تا حدی که کتب ارائه شده برای دانش آموزان در مدرسه اغلب به این دلیل که قادر به مطالعه ی آن نیستند، بلااستفاده می ماند.

ماده ی ۱۰۱ منشور حقوق شهروندی که مقرر می دارد: "شهروندان از حق یادگیری و استفاده و تدریس زبان و گویش محلی خود برخوردارند." که در واقع تکرار اصل پانزدهم قانون اساسی است. بنابراین همان ایرادی که بر اصل قانون اساسی برای زبان کوردی جنوبی وارد است بر این ماده هم اینگونه است. تا هنگامی که مقدمه ی یادگیری و به کارگیری یعنی رسم الخط درست و رسمی و پویایی آن محقق نشود، حقوق یاد شده کم ارزش و حتی سودمندی ندارند. چنانچه حکم اخیر دیوان عدالت اداری به الزام آموزش و پرورش به آموزش زبان بومی یا مادری برای مدارس ایلام چندان ثمر بخش نیست.

مقررات بین المللی:

حق بر زبان مادری در اسناد و معاهدات حقوق بشری همانند: ماده ۲۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی^۷، منشور زبان مادری^۸، اعلامیه جهانی حقوق زبانی^۹، بندهای ۳ و ۴ ماده ۴ اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت های قومی، ملی، زبانی و

^۷ The International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR), Article 27

^۸ Mother Tongue Charter

مذهبی^۹، ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق کودک^{۱۱}، مورد تأکید قرار گرفته است. ماده ۲۷ اعلامیه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^{۱۲}

البته مقررات بین المللی در این زمینه در قالب اعلامیه هستند و چنین اسنادی جنبه ی الزام آور ندارند و صرفاً از حیث اخلاقی و سیاسی ارزشمند هستند، و طبعاً جرم انگاری آنها در نظام حقوق بین الملل و داخل ساده نیست. لذا هیچ تعهد و الزام حقوقی برای دولت های عضو ایجاد نمی کنند، ضمن بیان این مهم که ایران به برخی اسناد همانند اعلامیه جهانی "زبان مادری" نپیوسته است. از طرفی بیشتر آنها تأکید بر آموزش و به کارگیری آن در روابط اجتماعی، اقتصادی و... دارند.

در بندهای سه گانه منشور زبان مادری مصوب سال ۱۹۹۶ یونسکو آمده است که؛ یک- همه شاگردان مدارس باید تحصیلات رسمی خود را به زبان مادری آغاز کنند. دو- همه دولتها موظف هستند که برای تولید و آموزش زبان مادری کلیه منابع و موارد وسایل لازم را تولید و توزیع نمایند. سه- برای تدریس زبان مادری باید معلم به اندازه کافی تربیت و آماده شود زیرا، تدریس به زبان مادری وسیله ای برای برابری اجتماعی شمرده می شود. در بند دوم از "تولید" زبان مادری اشاره شده است، شاید مهمترین بندی است که بیشتر زبان های به حاشیه رانده شده که عمدتاً متعلق به گروه های اقلیت فاقد حق حاکمیت ملی اند هستند، به مانند زبان کوردی جنوبی بدان نیازمند هستند. همچنین اهمیت آموزش زبان مادری در دوران پیش دبستانی سبب شده است که کنوانسیون ها و کنفرانس های بین المللی متعددی مانند کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۹۰، کنفرانس جهانی آموزش برای همه ۱۹۹۰ در جامتین و ۱۹۹۳ در دهلی نو برگزار شود و در دنیای کنونی مسئله زبان مادری از اولویت های دولت ها می باشد.

⁹. Universal Declaration of Linguistic Rights, 1996

¹⁰. Declaration on the Rights of Persons Belonging to National or Ethnic, Religious and Linguistic Minorities Adopted by General Assembly resolution 47/135 of 18 December 1992

¹¹. The United Nations Convention on the Rights of the Child (commonly abbreviated as the CRC, 1989

¹². International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, UN1966

سرانجام سخن (نتیجه):

حق بر زبان مادری به عنوان یک حق بشری در قوانین داخلی و مقررات و اسناد بین المللی به رسمیت شناخته شده است. اما به اتفاق تأکید بر آموزش آن در مدارس و بعضاً آزادی به کارگیری آن در معاملات اقتصادی و... دارند. اما با توجه به نداشتن رسم الخط یکسان و معیار و رسمی زبان کوردی جنوبی (و به طور خاص استان ایلام که دغدغه اصلی این پژوهش بوده است و مشاهدات و تجربیات نگارنده که در تجزیه و تحلیل این پژوهش دخیل بوده است، چرا که من به دنیایی تعلق دارم که نمی تواند با زبان مادری اش بنویسد)، نه حق بر آموزش و نه حتی در موقعیت حساس تر معاملات و قراردادهای اقتصادی چندان کارگشا نیست. از طرفی هر زبانی نیازمند مؤلّد بودن است. واژگان یک زبان اگر که نتواند یک گفتگوی کامل را پوشش دهد یا اینکه نظام آوایی آن به راحتی انحراف پیدا کند، گویشوران آن را از خود دور می سازد. کوردی جنوبی که از اصیل ترین گویش های کوردی است به دلایل رفته در حال نسل زدایی است. اگر چه به شکل رسمی در اسناد بین المللی از آن (نسل زدایی زبانی)، مقرر ای نیامده است. این مسأله هرگز توجه هیچ پژوهشی را به جلب نکرده است.

زبان مادری تنها یک لفظ برای ارتباط روزمره بین گروهی از انسان ها نیست بلکه میراث معنوی ارزشمندی است، در مسیر طولانی زمان از بسیاری حوادث گذشته، تبدیل به یک اعتقاد یا به عبارت دیگر یک حق شده است. حقی که نه به آموزش محدود می شود بلکه حق بر عدم نابودی زبانی که چند صد هزار انسان با آن تکلم می کنند، در میان است. ساختار ناصواب داخلی و بین المللی از این مسأله غافل مانده اند. نکته قابل توجه این است که همه ی زبان های مادری به دلیل یا دلایل یکسان در حال نابودی نیستند. هر کدام از آنها نیازمند مطالعه ای جدا و راهکار مختلف هستند.

کوردی جنوبی که شامل لهجه های کلهری- گورانی، فیلی و لکی است، دارای آثار برجسته منظوم و حتی نثر است که حاصل تلاش شخصی صاحبان این آثار می باشد. اما نگاه این پژوهش سعی در بیان ابعاد گسترده تر این جریان و آینده بی برنامه و نامعلوم دارد. هنگامی که نسل جدید چندان قادر به تکلم به زبان مادری نیست، می بایست منتظر انتقاع فرهنگی و هویتی بود و این مسأله بسیار خطرناک است. چرا که قادر به باز تولید گروه متفاوت خود نیستند. (البته تأکید بر هویت را همیشه نمی توان مثبت و مفید ارزیابی کرد. چرا که هر اندازه چیزی بیشتر با هویت باشد، به راحتی ایدئولوژیک می شود.) قوانین داخلی و نه حتی مقررات بین المللی جوابگوی نیاز جامع برای حفظ و پویایی زبان مادری نیستند. مسئولیت دولت نیز در قالب فعل یا ترک فعل و رها کردن یک زبان قابل پیگیری نمی باشد، چرا که با این وضعیت قانون یا مقرر ای را نقض نشده است.

ببینید:

- سارایی، ظاهر، دو فصل نامه فرهنگ ایلام، بهار و تابستان ۱۳۸۰، شماره ۵ و ۶
- زکی بیگ، محمد امین؛ روشن اردلان، یدالله (۱۳۸۱). زبده ی تاریخ کرد و کردستان. انتشارات توس، تهران اول خیابان دانشگاه: انتشارات توس
- شاکی مسعد سلیتی، طرف شکایت وزارت آموزش و پرورش، موضوع خواسته: الزام به تدریس و آموزش زبان های محلی و قومی تا پایان دوره متوسطه در کشور و اجرای وظیفه قانونی تألیف و طبع و توزیع کتب درسی و کمک آموزشی مرتبط، رئیس شعبه ۴۳ دیوان محمد اسماعیلی، ۱۳۹۹
- https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D8%A7%DB%8C%D9%84%D8%A7%D9%85
- https://web.archive.org/web/20140703101259/http://www.amar.org.ir/Portals/2/pdf/jamiat_shahrestan_keshvar3.pdf
- Austin, Peter K; Sallabank, Julia (2011). "Introduction". In Austin, Peter K; Sallabank, Julia. Cambridge Handbook of Endangered Languages. Cambridge University Press. ISBN 978-0-521-88215-6